

تعادل و تبادل فرهنگی می‌باید یکی از سیاست‌های اساسی باشد

○ تاریخ تبادل فرهنگی از کی آغاز شده است. آیا می‌توان گفت که همیشه و همواره به نحوی تبادل فرهنگی وجود داشته است؟

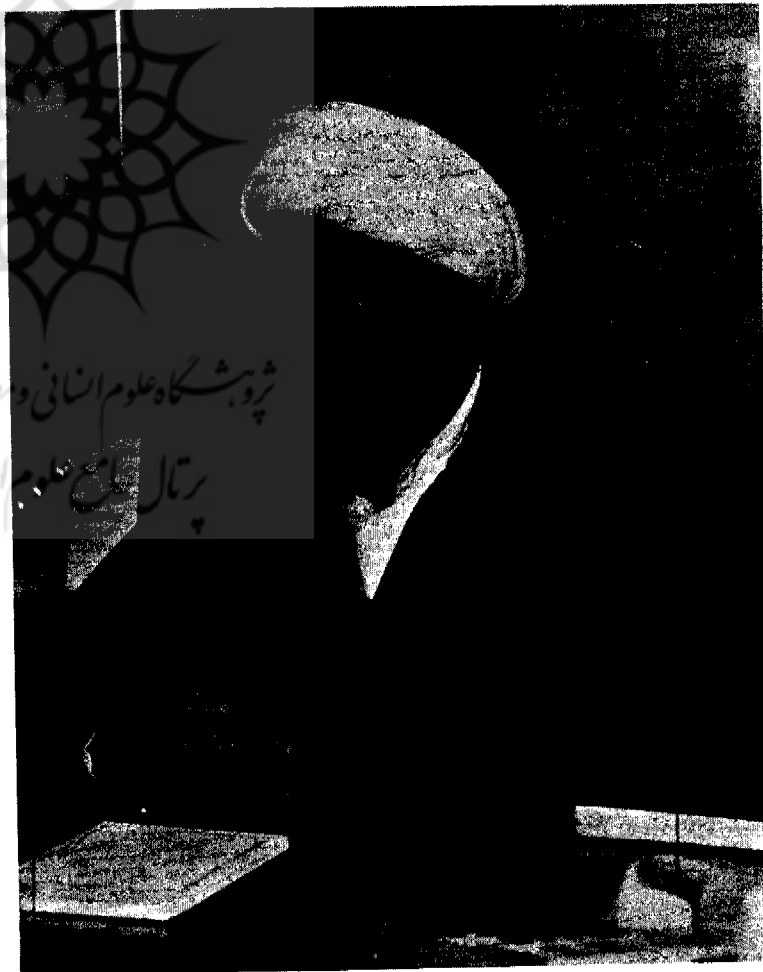
□ اگر به متون دینی مراجعه کنیم، با این حقیقت و واقعیت تاریخی مواجه خواهیم شد که نقطه آغاز تبادل فرهنگی، به نخستین روزهای شروع زندگی انسان‌ها در روی این کره خاکی نسبت داده شده است؛ چرا که گفتگوهای جالب میان هایبل و قابیل، نمادی عینی از اولین برقراری و ایجاد تبادل فرهنگی است که بعدها در زندگانی ابناء بشر تداوم یافته است. بنابراین با استناد به همین واقعیت تاریخی، می‌پذیریم که در سیر تکاملی زندگی انسان‌ها، همیشه و همواره نوعی از مبادلات فرهنگی جریان داشته است. مضافاً اینکه پیدایش تدریجی لغات از اوایل زندگی و تعبیر و تفسیر و معانی آنها در ادوار مختلف حیات، که هم سو با تغییر و تحولات زندگانی انسان‌ها در این سیر تکاملی انجام گرفته است، به مرور تبادل فرهنگی نیز از قوت و قوام روزافزونی برخوردار شده است و بنا به همین اصل، لغت را باید پایه و رکن اساسی پل ارتباطات و مبادلات همه جوامع بشری از بدو خلقت تا به امروز، بدانیم.

○ آیا داد و ستد فرهنگی موقوف به استقبال لااقل یک طرف مبادله نیست؟

□ با در نظر گرفتن انگیزه‌های فطری انسان و قدرت‌های تحلیل ذهنی او، و شوق در رساندن ایده‌هایش به دیگران، قاعدتاً نمی‌توانیم انسان را از موضوع داد و ستد تبلیغاتی جدا کنیم؛ لذا با تأیید و تأکید بر صحت مطلب مورد سؤال، می‌پذیریم که همیشه این شرایط به نوعی وجود داشته است؛ البته با وقوف به اینکه، عرصه مبادلات فرهنگی، همواره با سطح سؤالات و جولانگاه فکری و قدرت تخیلی انسان‌ها، متناسب بوده و در همه ادوار تاریخ، این دو با یکدیگر بستگی و رابطه‌ای متقابل داشته‌اند.

گفتگو با حجت‌الاسلام و المسلمین

محمدعلی تسخیری



○ آیا هر فکر و فرهنگی در همه جاو در میان مردمی با هر فرهنگ، قابل نشر است؟

□ برای حصول و وصول به این مقصود، چنانچه از ابزار و اسباب عقل و اندیشه بهره‌مند باشیم، طبیعی است که به این سؤال بایستی بلادرنگ و با قاطعیت پاسخ مثبت بدهیم. اما با در نظر گرفتن موضوع حکمت در تبلیغ و توقعات و انتظاراتی که در اثر این حرکت بر ایمان ایجاد می‌شود و هم‌چنین ملحوظ نمودن استعدادهای طرف مبادله و مد نظر قراردادن همه این مسائل، در آن صورت لاجرم بایستی برای هر مقالی، مقامی متناسب و در خور همان مقال بیابیم.

○ مهم‌ترین موارد تبادل فرهنگی از تاریخ قدیم تا آغاز دوره جدید تاریخ غربی، کی و کجا اتفاق افتاده است؟ □ به گواه اکثریت قریب به اتفاق مورخان و محققان تاریخ قدیم و جدید، در اینکه مهم‌ترین و پررنگ‌ترین موارد تبادل فرهنگی در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوسته است کم‌ترین شک و تردیدی وجود ندارد. چرا که این منطقه مهد انبیاء عظام بوده و هم آنان بوده‌اند که در هدایت سیر تمدن، به کمال نقشی بزرگ، ستایشگر و والا داشته‌اند. به همین لحاظ، منطقه خاورمیانه که بنا بر اراده و مشیت ذات اقدس الهی، این رخدادهای بزرگ و به یاد ماندنی را در جای جای پهنه خاک خود ثبت و ضبط کرده است، از موقعیت و جایگاه تاریخی ویژه‌ای در موارد تبادل فرهنگی برخوردار است که به نحو قابل ملاحظه‌ای این منطقه را از سایر مناطق جهان و با فاصله‌ای عمیق متمایز می‌سازد. پس از منطقه خاورمیانه، می‌توانیم از مناطق چین و جنوب آسیا و در مراحل بعد از رم باستان و یونان به عنوان مناطق تأثیرگذار نام ببریم و سایر مناطق جهان بیش‌تر متأثر از این محورها بوده‌اند. البته با آغاز تمدن اسلامی در جهان، اولین حرکت‌ها در مبادلات فرهنگی و تبادل افکار و اندیشه‌ها را در جزیره العرب و مناطق عراق و ایران، مشاهده می‌کنیم که تقریباً تا قرن چهاردهم

میلادی - آغاز دوره رنسانس - ادامه داشته و از این تاریخ به بعد، ارتباطات و مبادلات فرهنگی همواره تأثیرپذیر از فرهنگی بوده است که رنسانس، پدید آورنده آن محسوب می‌گردد.

○ آیا از آغاز رنسانس اروپایی، تغییر و تحولی در ماهیت مبادله فرهنگی روی داده است؟

□ یقیناً تحولات عظیم فکری و فرهنگی به جای مانده از رنسانس قابل کتمان و انکار نیست. اما چنانچه «معیارهای دینی پیشرفت و ارتجاع» میزان سنجش در موضوع تغییر و تحول در ماهیت مبادله فرهنگی، قرار بگیرد، آن وقت مجموعاً، حرکت رنسانس از بعد انسانی و معنوی، یک حرکت ارتجاعی خواهیم شناخت؛ که رکود حرکت ادیان از یک سو، و چهره‌های مغرورانه و متکبرانانه رنسانس از سوی دیگر، از جمله موارد مهمی هستند که با تکیه بر آنها می‌توانیم چنین نظریه‌ای را مورد تأیید و تأکید قرار داده و بر آن صحه بگذاریم.

○ آیا فرهنگی وجود داشته است یا وجود دارد که میل به بسط و انتشار صفت ذاتی آن باشد و اصولاً می‌توان فرهنگ‌ها را از حیث بسته بودن و قوه بسط و انتشار داشتن از هم متمایز کرد؟

□ بله، می‌توان فرهنگ‌ها را از این حیث متمایز کرد. عواملی هم که در این پدیده اثر دارند، بسیارند، از جمله: الف. وسعت بینش جهانی یک فرهنگ.

ب. انسانی بودن معیارهای آن.

ج. کم یا زیاد بودن - (مطلقات وهمی و یا نسبی) - حد آن. (مقصود از مطلقات نسبی، نسبیتی است که با یک تجربه ذهنی به شکل مطلق درآمده‌اند. مانند قبیل، علم، نژاد، که این پدیده ریشه صنمیت و بت‌سازی می‌باشد).

د. سطح و میزان اعتقاد آن فرهنگ به لزوم گسترش.

ه. سطح استعداد فطرت‌های انسانی با شرایط

گونگون عرضی انسان برای تقبل آن.

سو و پیدایش مغزهای متفکر و دانشمندان ممتاز و برجسته در همه زمین‌های علوم، از سوی دیگر، شکل گرفته است. البته وجود چالش‌های گوناگون و در نتیجه، پیچیده‌تر شدن زندگی، کاوش و پژوهش در دیگر فرهنگ‌ها - عمدتاً از طریق ترجمه آثار آنها - و رشد حرکت تشکلی‌ها، همه عواملی بودند که موجبات غنی‌تر شدن فرهنگ اسلامی را فراهم ساختند و به طور طبیعی و روش‌های معمول دیگر فرهنگ‌ها، این عوامل و رخدادها، اثرات عظیمی در به‌نظم درآوردن افکار و اندیشه‌ها و متشکل نمودن راهکارها و هم‌چنین قدرت تفریع و تشقیق موضوعات، داشته است.

○ در طی تاریخ اسلام چه مرادوات و داد و ستدهایی میان فرهنگ‌های اسلامی ایرانی و هندی و چینی و اروپایی صورت گرفته است؟

□ با توجه به باز بودن مرزهای جهان در آن دوران و وجود تسهیلات فراوان در سیر و سفر و جابه‌جایی فعال دانشمندان به نقاط مختلف عالم که یا به لحاظ طلب علم و دعوت و یا به جهت تأثیر از عوامل سیاسی و جنگ‌ها و نزاع‌ها صورت می‌گرفت، و باتوجه به سرشت و خصلت خود اسلام در زمینه گفتگو بین ادیان و تمدن‌ها و عرضه آزادانه ایده‌ها، (الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه) طبیعی است که بین تمدن‌های شرقی و غربی و فرهنگ و تمدن اسلامی، مبادلات فرهنگی انجام پذیرفته باشد. و این امر در اقدامات به عمل آمده نظیر، ترجمه وسیع آثار مبادله شده، احتجاجات و گسترش عظیم فرهنگ اسلامی در غالب مناطق معروف جهان، در آن دوران متجلی است. مراکزی مانند بیت الحکمه بغداد، دانشگاه جندی‌شاپور ایران و سایر مراکز علمی در شام و مصر نمونه‌های بارزی از وجود مبادلات فرهنگی، میان تمدن‌ها هستند. در این رابطه باید عرض کنم که، روایات اهل بیت (ع) و نیز نشر علوم اسلامی، نمونه‌های زیبایی از برنامه‌ریزی‌های ائمه (ع) برای رویارویی با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها ارائه می‌کنند.

حرکت امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) که گستره آن از جنوب آسیا تا شمال آفریقا را در برمی‌گیرد و احتجاجات امام رضا (ع) و امام عسکری (ع)، استنادات معتبری هستند که در تاریخ ثبت و ضبط گردیده و مشهود هستند. به عنوان مثال: این شهر آشوب در کتاب مناقب خود (ج ۲، ص ۴۵۲) از ابوالقاسم کوفی در کتاب (التبذیل) روایت کرده است که اسحاق کندی (فیلسوف عراق در

○ هجوم و تهاجم فرهنگی یعنی چه، و در چه شرایطی صورت می‌گیرد؟

□ ابعاد یک تهاجم فرهنگی می‌تواند به شرح زیر باشد:

- الف. تهاجم به اعتقادات و باورهای بنیانی.
- ب. تهاجم به افکار و اندیشه و قوانین مورد پذیرش یک فرهنگ.
- ج. تهاجم به باورهای عاطفی و احساسی و معیارهای اخلاقی.
- د. تهاجم به سنت‌ها و باورهای اجتماعی مبتنی بر آن اعتقادات.

ه. تهاجم به فولکلورهای ملی و میهنی که حداقل متعارض با باورهای فرهنگی نباشد، که این تهاجم اتفاقاً، هم عکس‌العمل‌های بیش‌تر و هم آثار کم‌تری برای مهاجمان دربردارد.

اما شرایطی که تحقق این تهاجم را امکان‌پذیر می‌سازد، می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف. ریشه‌دار نبودن باورها که بیش‌تر بر سنتی بودن آنها تکیه شده است.

ب. عدم برخورداری از دیدبانان حراستی فرهنگی، که با زیر نظر داشتن جامعه و جریانات، در مواقع مورد لزوم بتوانند، هر حرکت نامناسب و غیر همگونی را با واکنش مناسبی، پاسخ گویند. قرآن می‌فرماید: ... والذین کفروا بعضهم اولیاء بعض الاتفعلوۃ تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر. (و آنان که کافر شدند، نیز بعضی دوستدار و مددکار یکدیگرند، و شما مسلمانان اگر آن را که خداوند دستور داده، به کار نبندید، همانا فتنه و فساد بزرگ، روی زمین را فرا خواهد گرفت). (سوره انفال، آیه ۷۳)

ج. به وجود آمدن شرایط و بستری مناسب برای نفوذ تفکرهای بیگانه و ناشناخته، که این شرایط بسیارند. از جمله: جنگ، وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و قدرت تبلیغاتی و... و... و...

○ فرهنگ اسلامی چگونه قوام یافته و چگونه از مصالح فرهنگ‌های دیگر در بنای این فرهنگ استفاده شده است؟

□ فرهنگ اسلامی اصولاً با بهره‌مندی از منابع سرشار و غنی اسلامی در دوران اولیه (قرآن کریم، سنت شریف، سیره پیامبر (ص) و اصحاب و ائمه (ع) و نمونه‌های اجرایی در طول سال‌ها حکومت‌های صدر اسلام) از یک

زمان خود) اقدام به تألیف کتابی درباره (تناقضات قرآن !!!) کرده بود. امام عسگری (ع) با آگاهی از این اقدام نابخردانه، بلافاصله یکی از شاگردان خویش را روانه کوفه می‌کند. فرستاده امام با طرح چند سؤال، وی را از دست‌زدن به این اقدام منصرف می‌کند و در نتیجه این حرکت، اسحاق کندی، خود نوشته‌هایش را می‌سوزاند.

○ از کی و از چه ناحیه‌ای فرهنگ اسلامی ما مورد تهاجم قرار گرفته است و اصولاً در چه شرایطی یک فرهنگ مورد تهاجم قرار می‌گیرد؟ و چگونه می‌توان و باید با آن مقابله کرد؟

□ به نظر می‌آید، تهاجم فرهنگی از زمان پیدایش اسلام آغاز شده باشد. این تهاجم که با تشکیک مشرکین در مکه و منافقین و مرجفین در مدینه و با حرکت‌های نفوذی یهودیت و مطرح نمودن (اسرائیلیات)، تا حرکت (وضع روایات) به علل مختلف، که تثبیت حکومت‌های جور، از جمله این علت‌ها است، آغاز گردید و با حرکات زناده که از فضای آزاد اسلامی آن زمان سوء استفاده کرده بودند به نحوی که توانستند تجمعات خود را حتی در مسجد پیامبر اکرم (ص) برپا کنند، ادامه یافت. در مراحل بعدی، ضعف مسلمین، و تهاجمات ترتیب‌یافته‌تر فرقه‌های تبشیری را پیش رو داریم و نهایتاً با تهاجم منظم غرب، پس از احساس برتری که در فرهنگ آن رخ می‌نمایاند، مواجه می‌شویم که البته این مرحله از تهاجم با تنظیم برنامه‌های گوناگون و طبق یک سیاست جهانی، به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. و اما درباره اینکه تحت چه شرایطی، یک فرهنگ مورد تهاجم قرار می‌گیرد، در پاسخ به سؤال هفتم به این شروط اشاره شده است. چگونگی مقابله با یک تهاجم، مسئله مهمی است که ذیلاً فهرست‌وار به شرح آنها مبادرت می‌شود:

الف. تقویت مبانی فرهنگ نزد پیروان آن (در همه زمینه‌ها).

ب. زیرنظر گرفتن راه‌های نفوذ فرهنگی و بستن منطقی این راه‌ها.

ج. ارائه راه‌حل‌های جایگزین برای راه‌حل‌های انحرافی و ...

د. بالا بردن سطح پویایی فرهنگ، به نحوی که بتواند به دیگران عرضه شود و در مقابل آنها قرار گیرد، هم‌چنین پرهیز از راه‌های تهاجمی غیرمنطقی.

بدیهی است موارد یادشده بالا، هریک جداگانه موضوع بحث‌های مفصل و جامعی است که از حوصله

این مختصر خارج می‌باشد.

○ به نظر جنابعالی برای دفع تهاجم فرهنگی و ایجاد تعادل و برقراری تبادل فرهنگی چه شرایطی باید فراهم شود و چه اقداماتی باید کرد؟

□ الف. ایجاد روحیه گفتگوی منطقی بین دانشمندان دو طرف. قرآن مجید این روحیه را چنین توصیف می‌کند: «وَأَنَا أَوْيَاكُمْ لَعَلِّي أهدى ضلال مبين»

برخلاف تصور پلورالیست‌های افراطی، واقعیت یکی است، و به طور طبیعی، هر مکتبی که می‌خواهد منطقی و منسجم باشد، می‌بایستی مدعی انتساب به آن باشد، و تا وقتی که با بدیهیات عقلی و مسلمات طرفین تناقضی نداشته باشد، باید این ادعا را محترم شمرده، و این هنر هریک از طرفین است که این امر را ثابت کند. (البته در یک فضای باز فکری).

ب. تمرکز بر مشترکات فرهنگی و تقویت آنها و فراموش کردن و کنار نهادن موارد اختلافی که اثر عملی ندارند. نظیر اختلاف در بعضی از وقایع تاریخی، که این‌گونه مغایرت‌ها هیچ‌گونه تأثیری در زندگی امروز ندارند. به عنوان مثال: در گفتگوهای بین اسلام و مسیحیت می‌توانیم روی مشترکات انسانی مان تکیه کنیم مانند: عدالت، حقوق بشر، نقش زنان، قداست خانواده، ارزش‌های معنوی و امثالهم، و حوادث جنگ‌های صلیبی را به صفحات تاریخ واگذاریم.

ج. تعادل و تبادل فرهنگی می‌باید یکی از سیاست‌های اساسی باشد. با وجود خلل در توازن تبلیغی، از پیش نمی‌توانیم منطق تعادل را حاکم کنیم.

اینجاست که باید همه امکانات مادی و معنوی مان را به کار بندیم و حتی به توافق‌های سیاسی و دیپلماسی نیز، دست یابیم، تا بتوانیم چنین وضعیتی را به وجود آوریم. البته با توجه به وضعیت بین‌المللی امروز، این پیشنهادها غیرواقعی به نظر نمی‌رسند، به همین لحاظ است که لازم می‌آید گفته‌های قبلی خودمان را از نو احیاء کنیم و به مسئله احیای قدرت‌های فرهنگی بیشتر بیندیشیم.

